

قدرتِ یک دروغ

[یوهان بویِر]

ترجمه قاسم صنعوی



انتشارات سرزمین اهورایی
WWW.AHOORAPRESS.COM

سرشناسه : یوهان یوهان
 عنوان و نام پندآور : قدرت یک دروغ یوهان یوهان ترجمه قاسم صنعوی
 مشخصات نشر : تهران: سرزمین اهورایی، ۱۳۹۵
 مشخصات ظاهری : ۲۸۸ص
 فروست : ادبیات داستانی جهان ۹
 شابک : ۹۷۸۶۰۰۶۷۹۲۷۴۳
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 Troens makt (Novel) : عنوان اصلی
 یادداشت : کتاب حاضر از نسخه فرانسوی با عنوان La puissance du mensonge, roman ترجمه شده است.
 موضوع : داستان‌های نروژی -- قرن ۲۰م
 موضوع : ۲۰th century -- Norwegian fiction
 شناسه افزوده : صنعوی، قاسم، ۱۳۱۶ -- مترجم
 ده بندی کنگره : ۱۳۹۵ ق۹ب/ ۳۹۵۰ PT
 رده بندی دیوای : ۸۳۹/۸۳۳۴
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۴۰۳۲۱۶

		[یوهان یوهان] را	
		برگردان قاسم صنعوی	
قدرت یک دروغ		ادبیات داستانی جهان	تیراژ ۵۰۰ جلد
هرگونه برداشت از تصاویر و مطالب این کتاب منوط به اجازه ی کتبی از ناشر است.		انتشارات سرزمین اهورا	خدمات فنی کانون تبلیغاتی اهورا قیمت: ۲۵۵۰۰۰ ریال چاپ و صحافی خانه چاپ ایران بهار ۱۳۹۶ مجید ضرغامی
مدیر هنری و طراح گرافیک		کانون تبلیغاتی اهورا	
INFO@AHOORAPRESS.COM		WWW.AHOORAPRESS.COM	
۹۷۸۶۰۰۶۷۹۲۷۴۳ : شابک		انتشارات سرزمین اهورایی دفتر مرکزی: ۲۲۸۶۶۸۵۹ بخش: ۱۱-۲۲۸۸۲۰۱۱ شابک: ۹۷۸۶۰۰۶۷۹۲۷۴۳	

نویسنده

یوهان سورن^۱ زاده ششم مارس ۱۸۷۲ بود و در گذشته در سوم ژوئیه ۱۹۵۹ در اوسر^۲ در مقام رمان نویس، نمایشنامه نویس، قصه پرداز در دیار نمدنرژ و سیار^۳ از کشورهای دیگر بلند آوازه بود و هست. آثار متعددی از او به زبان های بیگانه ترجمه شده اند و تقریباً هیچ رمانی از او نیست که به زبان فرانسوی ترجمه نشده باشد.

با نام واقعی یوهان هانسن کریستوف در روستایی به نام اورکدالسورن^۴ که اکنون شهری به نام اورکانگ^۵ است راده شد. فرزند پدر و مادری بود که ازدواج رسمی رسمی کرده بودند و چون فرزند خوانده ای در یک خانواده تهی دست^۶ به سر یافت. خیلی زود با واقعیت های فقر آشنا شد. نخستین سال های زندگی اش با کار در مزرعه گذشت و مدتی هم چون کمک حسابدار کار کرد. در سال ۱۸۹۴ که پدرش در گذشت نام خانوادگی بویر را برگزید.

کوشش ادبی اش با انتشار کشتی نفت کش اونگه^۷ در سال

۱۸۹۳ آغاز شد و سال‌های ۱۹۲۰ او را در اوج قدرت نویسندگی نشان می‌داد. تنوع موضوع‌های آثارش که بسیاری از آن‌ها به زبان‌های بیگانه ترجمه شدند یکی از دلایل‌های عمده شهرت جهانی او به شمار می‌رود. اما ناقدان عموماً بهترین کارهای او را رمان‌هایش می‌دانند و به خصوص برای آخرین واپسینگ او ارزش بسیار قایل می‌شوند. این اثر، زندگی ماهیگیرانی را که زمستان را در مدار قطبی نزدیک به انتها الیه کرانه شمالی نروژ می‌گذرانند با توانایی بسیار توصیف می‌کند.

بی‌شک دیگر از موضوع‌های عمده مورد علاقه بویر، مهاجرت است. در شرح انگیزه‌های مهاجران نروژی و محنت‌هایی که آنان در دست‌های دیرتای شمالی از سر می‌گذرانند، و به همین منظور بوده که او در سال ۱۹۲۳ به داکوتای شمالی سفر کرد تا کارش با آلیسون که او هوادارش بود انطباق داشته باشد. نتیجه این دیدارش آنست که بود که عنوان نروژی‌اش وورگن استام^۲ است. رمان بویر ترصیف کننده مهاجران نشینان نروژی در سال‌های ۱۸۸۰ است و سرگزشت و انانی را بیان می‌کند که جویای زندگی بهتر، دنیای قدیم را ترک می‌کنند و در نهایت به این نتیجه می‌رسند که توفان‌های برف دیرین را بهتر از رفاه این دیار نو تحمل می‌کنند.

گذشته از این شرح که از منبع‌هایی چند برگرفته شده، بی‌شک به آن‌چه در کتاب معتبر و مرجع فرهنگ نویسندگان در باره این نویسنده آمده به آشنایی با کار کمک بیش‌تر می‌کند.

در این اثر می‌خوانیم که بویر یتیمی بود که ماهیگیران او را پذیرفته بودند، فقر و اراده سرسختانه به داشتن استقلال، حتی پیش از آن‌که انضباط مدرسه را متحمل شود، به شخصیت

او انعقاد دادند. شاگرد مدرسه بازرگانی و بعد شاگرد مدرسه درجه‌داری تروندهایم^۸ و بعد هنرپیشه شد. خودش تنها کسی بود که به فرهنگش شکل داد. ملال سبب شد که نروژ را ترک کند و به انگلستان، فرانسه و ایتالیا برود. پاریس مدت درازی او را در خود نگه‌داشت؛ از ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۷ در آن شهر ماند. بعدها خودش از آن ایام چون «سرشارترین سال‌های زندگی‌ام» یاد می‌کرد. کار نویسندگی‌اش را با درام یک مادر در سال ۱۸۹۴ آغاز کرد. بعد سال در کریستیانسن^۹ و کپنهاگ شناخته شد. داستان‌های کوتاه و رمان‌هایی که از پی این درام آمدند به شدت و چنان ستم کردند که او به سی سالگی نرسیده، در تمام کشورهای شمالی نویسنده‌ای سرشناس شده بود. از آن‌جا آوازه شهرتش از مرزها گذشت، تاری از او به زبان‌های آلمانی و فرانسوی ترجمه شدند.

به حکایت همین اثر (که یک نویسنده‌گان)، کل اثر بویور از خصلت خودآموزی و زندگی پر ماجرایش که بین نویسندگان نروژی شیوع دارد نشان دارد. بدون شک عادت به ولگردی‌هایش، به ناتواریسم پر قدرتش، به علاقه‌اش به ماجرا، و درکش از رمان‌نویسی و کنجکاوی دامنه‌دارش که تنها بی‌جدا ماندن از دیگران را بر او منع می‌کند، و به توصیف‌هایش از آداب و عادت‌های محلی دامنه و اهمیت بسیار می‌دهد. نویسنده این داده است. تولید فراوانش شامل نمایشنامه‌هایی هستند که در تنودورا^{۱۰} (۱۹۰۲)، بروتوس (۱۹۰۴)، رمان‌هایی اغلب ترجمه شده به زبان فرانسوی و بهره‌مند از شهرت چون قدرت ایمان (ترجمه شده به زبان فرانسوی با عنوان قدرت یک دروغ) یکی از مشهورترین رمان‌های بویور (که جایزه آکادمی فرانسه را دریافت

داشت). نویسنده در این اثر در بررسی محیطی روستایی، شیوه‌های اصلی رمان روان شناختی را به کار می‌برد. این رمان آداب و عادت‌های روستایی، رمانی بی‌پیرایه و تأثیرگذار، مطلقاً از توصیف‌های جلب نظر کننده‌ای که در فرانسه آثاری از این دست را مشخص می‌کنند عاری است. از آثاری دیگر از او نیز نام ببریم. مهاجرت مردم (۱۸۹۶)، زندانی‌ئی که آواز می‌خواند (۱۹۱۳)، زندگی (۱۹۱۱) که ترجمه‌اش به زبان فرانسوی در سال ۱۸۱۰ با عنوان شب‌های روشن منتشر شده؛ گرسنگی (۱۹۱۶)، آخرین وایکینگ (۱۹۲۱)، مهاجران (۱۹۲۴).

شخصیت‌های بویور حتی در جنایت با شرافت هستند؛ از فساد بی‌خبرند و وجدانی دارند که به شدت در بند آن هستند؛ غرورشان بر اندام‌شان می‌چربد. این نحوه روحیه بسیار شمالی، به هر اثر بویور حلاوتی از ساده‌دلی می‌دهد؛ به علاوه، امتیازهای نمایشنامه‌نویسی او در رمان‌هایش هم آشکار می‌شوند: برخی از صحنه‌های آن با گویی برای نمایش نوشته و برش داده شده‌اند.

در یک کتاب مرجع و معتبر دیگر، از کتاب بیات‌ها که زیر نظر فیلیپ وان تیه گم^{۱۱} ادیب متخصص تاریخ ادبیات فراهم آورده شده، برخی اظهار نظرهای دیگر می‌توان یافت. جنایت این اثر، بویور ستایشگر بزرگ موباسان است، الگوی ذی‌ربط جامع او، جنب و جوش، تنوع در ابداع‌ها و هنر ترکیب او را دارد. کتاب ساد (۱۸۹۴) نمایشنامه در یک پرده، گراسهولمن^{۱۲} (۱۸۹۵) کم‌دلی، هلگا^{۱۳}، تصویرهایی از تروندلاگ^{۱۴}، یک موکب مردمی (۱۸۹۸) الهام گرفته از سرخوردگی‌های نظام پارلمانی رایج بین بسیاری از نروژیان آن زمان، جنگ ابدی (۱۸۹۹) که رمانی اجتماعی

است، ننه له آ^{۱۵} (۱۹۰۰) واپسین رمان از بخش رمان‌های سیاسی که در آن موعظه‌گر بیش از حد جای رمان‌نویس واقعی را می‌گیرد، یک زیارت (۱۹۰۲) توانایی (۱۹۰۳)، قلمرو ما (۱۹۰۸)، بررسی‌هایی از موردهای روانشناختی هستند که بدبینی او نسبت به خصلت‌های طبیعت انسانی آشکار می‌شود؛ از بین درام‌های بوبر، از تئودورا (۱۹۰۲)، بروتوس (۱۹۰۴)، ماری والوسکا^{۱۶} (فقط در سال ۱۹۳۳ منتشر شد، می‌توان نام ...، تیا، ای شاعرانه و آرمان انسانی او در قصه‌هایی چون در راندلیسا (۱۸۹۷)، بوته‌های زرگری (۱۸۹۸)، پرندگان سپید (۱۹۰۴) را کار می‌شوند. او در این نوع از هانس کریستین آندرسن و نیز آلفرد فروب و ویکتور هوگو الهام گرفته است. از رمان‌های اوایل قرن او در این خانه می‌بریم: زندگی، سیگورد برو^{۱۷} درام نسبتاً ضعیف، در زندگی او می‌خواند (۱۹۱۳)، ملغمه‌ای از رآلیسم و خیال پردازی که در آن طبیعت هنرمندی را توصیف می‌کند، پرچم فرانسوی (۱۹۰۵) که بوبر در آن احساس ستایش خود از مردم فرانسه در زمان جنگ را بیان می‌کند. گرسنگی بزرگ (۱۹۱۶) او مقابله گرایش‌های رأیستی و مذهبی دوران، نویسنده را در دنیای آنکلو ساکسون مشهور دنیا، ایمای دنیا (۱۹۱۷)، پرستشگاه‌های نو (۱۹۱۷)، آخرین وایکینگ (۱۹۱۱)، حماسه صیادان ماهی قود در جزیره‌های لوفوتن^{۱۸} که ... با بی‌پیرایگی در خور ملاحظه نوشته شده، تبار خود ما (۱۹۲۴) اهل ساحل، تابلوهایی گسترده از زندگی مردمی با احساس‌های مذهبی و وطن پرستی هستند. از نمایشنامه‌های چشمان عشق را می‌توان به یاد آورد.